

تحلیل اقتصادی نقش وقف در توسعه زیرساخت‌های آموزش عالی

علیرضا صیدی باقرنژاد^۱

^۱ گروه اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، ایران

چکیده

وقف یکی از نهادهای ریشه‌دار در فقه اسلامی و تمدن مسلمانان است که در طول تاریخ، نقش مهمی در تأمین مالی خدمات عمومی، به‌ویژه آموزش، پژوهش، بهداشت، رفاه اجتماعی و امور فرهنگی ایفا کرده است. در شرایط معاصر که آموزش عالی با افزایش هزینه‌های سرمایه‌ای، نیاز روزافزون به تجهیزات فناورانه، توسعه فضاهای آموزشی و پژوهشی، محدودیت بودجه‌های عمومی و فشارهای ناشی از وابستگی به شهریه مواجه است، بازخوانی ظرفیت‌های اقتصادی وقف اهمیت ویژه‌ای دارد. هدف این مقاله، تحلیل اقتصادی نقش وقف در توسعه زیرساخت‌های آموزش عالی با تکیه بر مبانی فقه اسلامی، تجربه تاریخی تمدن اسلامی و ادبیات جدید اقتصاد آموزش عالی است. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر بررسی منابع کتابخانه‌ای داخلی و خارجی است. یافته‌های تحلیلی نشان می‌دهد که وقف می‌تواند از طریق ایجاد جریان درآمدی پایدار، کاهش وابستگی دانشگاه‌ها به بودجه‌های ناپایدار، حمایت از سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت، تأمین مالی فضاهای آموزشی و پژوهشی، تجهیز آزمایشگاه‌ها، توسعه کتابخانه‌ها، خوابگاه‌ها، مراکز فناوری و حمایت از دانشجویان کم‌برخوردار، نقشی مؤثر در توسعه زیرساخت‌های آموزش عالی ایفا کند. با این حال، تحقق این ظرفیت مستلزم اصلاح نظام حکمرانی موقوفات، شفافیت مالی، مدیریت حرفه‌ای دارایی‌های وقفی، طراحی صندوق‌های وقفی دانشگاهی، اعتمادسازی اجتماعی و ایجاد پیوند نهادی میان دانشگاه‌ها، واقفان و نهادهای متولی وقف است. مقاله نتیجه می‌گیرد که وقف، در صورت بازطراحی نهادی و بهره‌گیری از ابزارهای نوین مالی اسلامی، می‌تواند یکی از پایه‌های مکمل و پایدار تأمین مالی آموزش عالی در کشورهای اسلامی و به‌ویژه ایران باشد.

واژه‌های کلیدی: وقف، اقتصاد اسلامی، آموزش عالی، زیرساخت‌های دانشگاهی، تأمین مالی پایدار، موقوفات آموزشی، فقه اسلامی.

۱. مقدمه

آموزش عالی در جهان امروز یکی از مهم‌ترین بنیان‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، علمی و فرهنگی کشورها به شمار می‌رود. دانشگاه‌ها دیگر صرفاً مراکزی برای انتقال دانش نیستند، بلکه به نهادهایی برای تولید علم، تربیت سرمایه انسانی، توسعه فناوری، شکل‌دهی به نوآوری، حل مسائل جامعه و تقویت رقابت‌پذیری اقتصادی تبدیل شده‌اند. از این‌رو، سرمایه‌گذاری در آموزش عالی نوعی سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و زیرساخت‌های توسعه ملی تلقی می‌شود. ادبیات اقتصاد آموزش نشان می‌دهد که آموزش عالی از طریق افزایش مهارت نیروی کار، ارتقای بهره‌وری، توسعه نوآوری و گسترش ظرفیت‌های پژوهشی، می‌تواند رشد اقتصادی بلندمدت را تقویت کند (بانک جهانی، ۲۰۰۰؛ آلتباخ، رایزبرگ و رامبلی، ۲۰۰۹).

با وجود اهمیت آموزش عالی، تأمین مالی آن در بسیاری از کشورها با دشواری‌های جدی روبه‌رو است. افزایش تعداد دانشجویان، رشد هزینه‌های فناوری آموزشی، نیاز به آزمایشگاه‌های پیشرفته، توسعه کتابخانه‌های دیجیتال، گسترش مراکز نوآوری، بهبود خوابگاه‌ها و فضاهای رفاهی و افزایش هزینه‌های نگهداری زیرساخت‌ها، فشار مالی قابل توجهی بر دانشگاه‌ها وارد کرده است. بودجه‌های دولتی در بسیاری از کشورها محدود است و به دلیل رقابت میان بخش‌های مختلف مانند بهداشت، تأمین اجتماعی، دفاع، حمل‌ونقل و آموزش عمومی، امکان پاسخ‌گویی کامل به نیازهای آموزش عالی را ندارد. از سوی دیگر، اتکای بیش از حد به شهریه دانشجویان نیز می‌تواند پیامدهایی مانند کاهش عدالت آموزشی، افزایش بدهی خانوارها و محدود شدن دسترسی گروه‌های کم‌درآمد به آموزش عالی داشته باشد.

در چنین شرایطی، توجه به منابع مکمل و پایدار تأمین مالی آموزش عالی اهمیت می‌یابد. یکی از این منابع در جوامع اسلامی، نهاد وقف است. وقف به‌عنوان نهادی مالی، حقوقی، اجتماعی و دینی، از گذشته در تأمین مالی خدمات عمومی نقش برجسته‌ای داشته است. در تعریف فقهی، وقف عبارت است از حبس عین مال و تسبیل منفعت آن؛ یعنی اصل مال حفظ می‌شود و منافع حاصل از آن در جهت اهداف خیرخواهانه و مشروع مصرف می‌گردد (محقق حلی، ۱۴۰۸ق؛ امام خمینی، ۱۴۲۱ق). این ویژگی سبب می‌شود که وقف ظرفیت ایجاد درآمد پایدار و بین‌نسلی داشته باشد.

تجربه تاریخی تمدن اسلامی نشان می‌دهد که بسیاری از مدارس، کتابخانه‌ها، بیمارستان‌ها، کاروانسراها، مراکز علمی و خدمات عمومی با اتکا به وقف شکل گرفته و اداره شده‌اند. پژوهش‌های تاریخی نشان می‌دهد که موقوفات در جوامع اسلامی نه تنها کارکرد دینی، بلکه کارکرد اقتصادی و نهادی نیز داشته‌اند و بخشی از بار مالی دولت‌ها را در ارائه خدمات عمومی کاهش داده‌اند (چیزاکچا، ۱۹۹۸؛ هاکستر، ۱۹۹۸؛ سینگر، ۲۰۰۸). از این منظر، وقف را می‌توان نوعی سازوکار تأمین مالی اجتماعی دانست که میان انگیزه‌های معنوی، اهداف عمومی و منطق اقتصادی پیوند برقرار می‌کند.

با وجود این پیشینه، در دوره معاصر ظرفیت وقف در حوزه آموزش عالی به‌صورت کامل فعال نشده است. بسیاری از موقوفات موجود یا دارای بهره‌وری اقتصادی پایین‌اند یا ارتباط مستقیمی با نیازهای جدید دانشگاه‌ها ندارند. همچنین نظام مدیریت موقوفات در مواردی با چالش‌هایی مانند ضعف شفافیت، نبود گزارش‌دهی مؤثر، ناکارآمدی بهره‌برداری از دارایی‌ها، پیچیدگی‌های حقوقی و فاصله میان نهادهای وقفی و دانشگاهی مواجه است. بنابراین، پرسش اصلی این مقاله آن است که وقف از منظر اقتصادی چگونه می‌تواند در توسعه زیرساخت‌های آموزش عالی نقش‌آفرینی کند و چه الزامات نهادی، مدیریتی و مالی برای تحقق این نقش لازم است؟

۲. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی - تحلیلی است. داده‌ها و اطلاعات مقاله از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی منابع فقهی، حقوقی، اقتصادی و مدیریتی گردآوری شده‌اند. در بخش فقهی، از منابعی مانند آثار محقق حلی، شهید ثانی، طباطبایی یزدی و امام خمینی استفاده شده است. در بخش اقتصادی و تاریخی، آثار پژوهشگرانی مانند چیزاکچا، کاهف، کوران، هاکستر و سینگر مورد توجه قرار گرفته‌اند. همچنین برای تحلیل وضعیت آموزش عالی و تأمین مالی آن، از منابعی مانند بانک جهانی، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و گزارش‌های مرتبط با آموزش عالی استفاده شده است.

رویکرد مقاله، ارائه تحلیل مفهومی و نهادی است؛ بنابراین مقاله در پی آزمون آماری فرضیه‌ها نیست، بلکه تلاش می‌کند با اتکا بر منابع معتبر، چارچوبی تحلیلی برای فهم نقش اقتصادی وقف در توسعه زیرساخت‌های آموزش عالی ارائه دهد.

۳. مبانی فقهی و حقوقی وقف**۳-۱. مفهوم وقف در فقه اسلامی**

وقف در لغت به معنای ایستادن، حبس کردن و نگه داشتن است. در اصطلاح فقه اسلامی، وقف عبارت است از حبس اصل مال و اختصاص منافع آن به مصرفی مشخص و مشروع. در این معنا، عین موقوفه از نقل و انتقال معمول خارج می‌شود و منافع آن در راستای نیت واقف مصرف می‌گردد. بسیاری از فقها وقف را از مصادیق «صدقه جاریه» دانسته‌اند؛ زیرا آثار و منافع آن پس از حیات واقف نیز ادامه می‌یابد (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق؛ امام خمینی، ۱۴۲۱ق).

در فقه امامیه، تحقق وقف نیازمند وجود ارکانی مانند واقف، مال موقوفه، موقوف‌علیه و صیغه وقف است. واقف باید اهلیت تصرف داشته باشد؛ مال موقوفه باید قابلیت بقا و انتفاع مشروع داشته باشد؛ موقوف‌علیه باید معلوم و مشروع باشد؛ و صیغه وقف باید بر انشای وقف دلالت کند (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۷ق). این مبانی نشان می‌دهد که وقف نهادی منظم و دارای ساختار حقوقی مشخص است و از منظر فقهی ظرفیت انطباق با نیازهای جدید را دارد، مشروط بر آنکه موضوع وقف، شیوه بهره‌برداری و مصرف منافع آن با اصول شرعی سازگار باشد.

۳-۲. ویژگی‌های اقتصادی وقف

وقف از منظر اقتصادی دارای چند ویژگی مهم است:

نخست، پایداری سرمایه است. در وقف، اصل دارایی حفظ می‌شود و صرفاً منافع آن مصرف می‌گردد. این ویژگی، وقف را از کمک‌های خیریه مقطعی متمایز می‌کند. کمک‌های نقدی یک‌باره ممکن است پس از مصرف پایان یابد، اما وقف می‌تواند منبعی مستمر برای تولید درآمد باشد.

دوم، بین‌نسلی بودن منافع است. وقف نوعی انتقال منابع از نسل حاضر به نسل‌های آینده است. اگر یک زمین، ساختمان، سهام یا دارایی مولد برای آموزش عالی وقف شود، منافع آن می‌تواند برای سال‌ها و حتی قرن‌ها به دانشجویان، استادان و پژوهشگران برسد.

سوم، ماهیت غیرانتفاعی اما مولد است. وقف با هدف کسب سود شخصی انجام نمی‌شود، اما این به معنای فقدان منطق اقتصادی نیست. موقوفه باید به گونه‌ای مدیریت شود که بازده مناسب داشته باشد و منافع آن در مسیر نیت واقف مصرف شود. از این منظر، وقف نیازمند مدیریت حرفه‌ای دارایی است.

چهارم، کاهش شکست بازار در ارائه کالاهای عمومی و شبه‌عمومی است. آموزش عالی دارای آثار بیرونی مثبت است؛ یعنی منافع آن صرفاً به فرد دانشجو محدود نمی‌شود، بلکه جامعه نیز از نیروی انسانی متخصص، پژوهش، نوآوری و ارتقای فرهنگی بهره‌مند می‌شود. به همین دلیل، بازار به تنهایی ممکن است کمتر از سطح مطلوب اجتماعی در آموزش عالی سرمایه‌گذاری کند. وقف می‌تواند بخشی از این شکاف را جبران نماید (کاهف، ۲۰۰۳؛ کوران، ۲۰۰۱).

۴. آموزش عالی و چالش تأمین مالی زیرساخت‌ها

۴-۱. ماهیت زیرساخت‌های آموزش عالی

زیرساخت‌های آموزش عالی مجموعه‌ای از امکانات فیزیکی، فناوریانه، پژوهشی، رفاهی و پشتیبانی هستند که امکان تحقق مأموریت‌های آموزشی، پژوهشی و اجتماعی دانشگاه‌ها را فراهم می‌کنند. این زیرساخت‌ها شامل کلاس‌های درس، ساختمان‌های آموزشی، آزمایشگاه‌ها، کارگاه‌ها، کتابخانه‌های فیزیکی و دیجیتال، خوابگاه‌ها، مراکز داده، سامانه‌های آموزش الکترونیکی، مراکز رشد و نوآوری، سالن‌های مطالعه، تجهیزات پژوهشی و فضاهای فرهنگی و ورزشی می‌شود.

در گذشته، زیرساخت دانشگاهی عمدتاً به ساختمان و فضای آموزشی محدود می‌شد، اما در آموزش عالی معاصر، زیرساخت‌ها ابعاد پیچیده‌تری یافته‌اند. دانشگاه امروز برای رقابت علمی نیازمند آزمایشگاه‌های پیشرفته، دسترسی به پایگاه‌های اطلاعاتی، شبکه‌های ارتباطی پرسرعت، تجهیزات هوشمند، سامانه‌های یادگیری مجازی، مراکز کارآفرینی و فضاهای بین‌رشته‌ای است. بنابراین، هزینه ایجاد و نگهداری زیرساخت‌های دانشگاهی به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است.

۴-۲. محدودیت منابع مالی سنتی

منابع سنتی تأمین مالی آموزش عالی معمولاً شامل بودجه دولتی، شهریه دانشجویان، درآمدهای پژوهشی، قراردادهای صنعتی و کمک‌های خیریه است. هر یک از این منابع محدودیت‌هایی دارند. بودجه دولتی ممکن است تحت تأثیر نوسانات اقتصادی و اولویت‌های بودجه‌ای کاهش یابد. شهریه دانشجویان نیز اگر بیش از حد افزایش یابد، عدالت آموزشی را تهدید می‌کند. درآمدهای پژوهشی معمولاً به دانشگاه‌های بزرگ و پژوهش‌محور اختصاص بیشتری می‌یابد و همه دانشگاه‌ها از آن بهره‌مند نمی‌شوند. کمک‌های خیریه عادی نیز در بسیاری از موارد مقطعی و غیرپایدار است.

بانک جهانی در گزارش خود درباره آموزش عالی در کشورهای در حال توسعه تأکید می‌کند که کیفیت آموزش عالی بدون تأمین مالی پایدار و تنوع‌بخشی به منابع مالی قابل حفظ نیست (بانک جهانی، ۲۰۰۰). همچنین ادبیات مدیریت دانشگاهی نشان می‌دهد که دانشگاه‌های موفق معمولاً از ترکیبی از منابع مالی، از جمله بودجه عمومی، درآمدهای اختصاصی، کمک‌های خیریه، موقوفات و درآمدهای سرمایه‌گذاری استفاده می‌کنند (سالمی، ۲۰۰۹).

۵. پیشینه تاریخی وقف در آموزش و علم

وقف آموزشی در تمدن اسلامی سابقه‌ای طولانی دارد. مدارس، کتابخانه‌ها، حلقه‌های علمی، مراکز حدیث، بیمارستان‌های آموزشی و حتی حقوق استادان و کمک‌هزینه دانشجویان در بسیاری از مناطق اسلامی از طریق وقف تأمین می‌شدند. وقف موجب شد که آموزش در بسیاری از دوره‌ها از وابستگی کامل به دربار یا دولت فاصله بگیرد و نوعی استقلال نسبی مالی برای مراکز علمی ایجاد شود.

چیزاچقا در مطالعات خود نشان می‌دهد که اوقاف در تاریخ اقتصادی جوامع اسلامی به‌عنوان نهادهایی برای تأمین کالاهای عمومی و خدمات اجتماعی عمل کرده‌اند و در برخی دوره‌ها نقش مهمی در کاهش هزینه‌های دولت داشته‌اند (چیزاچقا، ۱۹۹۸). هاکستر نیز در بررسی موقوفات اسلامی نشان می‌دهد که وقف نه تنها نهادی مذهبی، بلکه ابزاری برای سازمان‌دهی اجتماعی، توزیع منابع و حفظ استمرار خدمات عمومی بوده است (هاکستر، ۱۹۹۸).

در حوزه آموزش، وقف به ایجاد امنیت مالی برای استادان، طلاب و دانشجویان کمک می‌کرد. کتابخانه‌های وقفی، مدارس وقفی و حتی نسخه‌های خطی وقفی بخشی از زیست علمی جهان اسلام بودند. سینگر در تحلیل تاریخ خیریه در جوامع اسلامی بیان می‌کند که وقف یکی از مهم‌ترین ابزارهای نهادینه‌سازی خیر عمومی در تمدن اسلامی بوده است (سینگر، ۲۰۰۸). این تجربه تاریخی نشان می‌دهد که استفاده از وقف برای آموزش عالی، امری جدید و بی‌سابقه نیست، بلکه بازآفرینی نهادی سنتی در پاسخ به نیازهای جدید است.

۶. چارچوب نظری تحلیل اقتصادی وقف در آموزش عالی

۶-۱. وقف به‌عنوان سرمایه اجتماعی و اقتصادی

وقف را می‌توان از دو منظر تحلیل کرد: نخست، به‌عنوان سرمایه اقتصادی؛ دوم، به‌عنوان سرمایه اجتماعی. از منظر اقتصادی، وقف دارایی مولدی است که می‌تواند جریان درآمدی ایجاد کند. این دارایی ممکن است زمین، ساختمان، مغازه، کارخانه، سهام، سپرده سرمایه‌گذاری، صندوق مالی یا هر دارایی مشروع و مولد دیگری باشد. اگر این دارایی‌ها به‌صورت حرفه‌ای مدیریت شوند، می‌توانند منابعی پایدار برای دانشگاه‌ها فراهم کنند.

از منظر سرمایه اجتماعی، وقف نشان‌دهنده اعتماد، مشارکت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. واقف زمانی حاضر می‌شود دارایی خود را برای هدفی عمومی اختصاص دهد که به ارزش اجتماعی آن هدف و سلامت نظام اجرایی آن اعتماد داشته باشد. بنابراین، توسعه وقف دانشگاهی نیازمند تقویت اعتماد عمومی، شفافیت نهادی و گزارش‌دهی دقیق است.

۶-۲. وقف و نظریه کالاهای عمومی

زیرساخت‌های آموزش عالی بسیاری از ویژگی‌های کالاهای عمومی یا شبه‌عمومی را دارند. برای مثال، ایجاد آزمایشگاه پژوهشی پیشرفته ممکن است علاوه بر دانشجویان یک دانشگاه، به صنعت، جامعه علمی و اقتصاد ملی نیز منفعت برساند. اما چون همه منافع آن مستقیماً در قیمت بازار منعکس نمی‌شود، ممکن است سرمایه‌گذاری خصوصی در آن کمتر از سطح مطلوب باشد. از این‌رو، دولت‌ها، خیریه‌ها و نهادهای غیرانتفاعی وارد تأمین مالی آن می‌شوند.

وقف در این چارچوب می‌تواند به‌عنوان سازوکاری برای تأمین مالی کالاهای عمومی آموزشی عمل کند. کوران در تحلیل تاریخی خود از نهاد وقف نشان می‌دهد که وقف در جوامع اسلامی بسیاری از خدمات عمومی را تأمین می‌کرد، هرچند در دوره‌های بعدی به دلیل برخی محدودیت‌های نهادی، نیازمند تحول و سازگاری با شرایط جدید شد (کوران، ۲۰۰۱). این دیدگاه نشان می‌دهد که وقف، برای ایفای نقش مؤثر در آموزش عالی معاصر، باید با ابزارهای جدید حکمرانی و مدیریت مالی پیوند بخورد.

۳-۶. وقف و پایداری مالی دانشگاه‌ها

پایداری مالی به معنای توانایی یک نهاد در تأمین منابع لازم برای انجام مأموریت‌های خود در بلندمدت است. دانشگاهی که صرفاً به یک منبع مالی وابسته باشد، در برابر بحران‌ها آسیب‌پذیر است. وقف می‌تواند با ایجاد درآمد مستقل، درجه‌ای از تاب‌آوری مالی برای دانشگاه ایجاد کند. برای مثال، درآمد حاصل از یک موقوفه می‌تواند صرف نگهداری ساختمان‌ها، خرید تجهیزات آزمایشگاهی، حمایت از دانشجویان نیازمند یا تأمین هزینه‌های پژوهشی شود.

در بسیاری از دانشگاه‌های معتبر جهان، موقوفات دانشگاهی یا «اندوومن‌ها» نقش مهمی در پایداری مالی دارند. البته اندوومن در نظام غربی از نظر فقهی دقیقاً معادل وقف اسلامی نیست، اما از نظر اقتصادی شباهت‌هایی با آن دارد؛ زیرا اصل سرمایه حفظ شده و بازده آن در جهت اهداف آموزشی مصرف می‌شود. تجربه دانشگاه‌هایی مانند هاروارد، ییل، پرینستون و آکسفورد نشان می‌دهد که دارایی‌های وقفی و خیریه‌ای می‌توانند نقش مهمی در استقلال و کیفیت دانشگاه‌ها داشته باشند. این تجربه می‌تواند برای طراحی صندوق‌های وقفی دانشگاهی در کشورهای اسلامی الهام‌بخش باشد، البته با رعایت موازین فقه اسلامی.

۷. سازوکارهای اثرگذاری وقف بر توسعه زیرساخت‌های آموزش عالی

۷-۱. تأمین مالی احداث فضاهای آموزشی

یکی از مستقیم‌ترین کارکردهای وقف در آموزش عالی، تأمین مالی ساخت و توسعه فضاهای آموزشی است. واقف می‌تواند زمین یا ساختمانی را برای تأسیس دانشکده، مرکز آموزشی، کلاس درس، سالن مطالعه یا مجموعه فرهنگی دانشگاهی وقف کند. در این حالت، وقف به‌طور مستقیم ظرفیت فیزیکی دانشگاه را افزایش می‌دهد.

همچنین ممکن است واقف دارایی درآمدزا وقف کند و منافع آن برای ساخت فضاهای آموزشی مصرف شود. این شیوه از نظر اقتصادی کارآمدتر است؛ زیرا اصل دارایی حفظ می‌شود و درآمد آن به‌صورت مستمر در پروژه‌های عمرانی استفاده می‌گردد.

۷-۲. تجهیز آزمایشگاه‌ها و مراکز پژوهشی

آزمایشگاه‌ها از پرهزینه‌ترین بخش‌های دانشگاهی هستند. بسیاری از رشته‌های علوم پایه، فنی و مهندسی، پزشکی، کشاورزی و فناوری‌های نوین بدون آزمایشگاه‌های مجهز امکان رشد ندارند. وقف می‌تواند در تأمین تجهیزات آزمایشگاهی، نگهداری دستگاه‌ها، خرید مواد مصرفی و به‌روزرسانی فناوری‌ها نقش مهمی داشته باشد.

برای مثال، یک موقوفه می‌تواند با هدف «تجهیز آزمایشگاه‌های پژوهشی در حوزه انرژی‌های نو» یا «حمایت از آزمایشگاه‌های زیست‌فناوری» ایجاد شود. چنین وقف‌هایی افزون بر کمک به آموزش، ظرفیت پژوهش کاربردی و ارتباط دانشگاه با صنعت را نیز تقویت می‌کنند.

۷-۳. توسعه کتابخانه‌ها و منابع علمی

کتابخانه‌ها در تاریخ تمدن اسلامی از مهم‌ترین حوزه‌های وقف بوده‌اند. نسخه‌های خطی، کتاب‌ها، بناهای کتابخانه‌ای و هزینه نگهداری کتابخانه‌ها در بسیاری از موارد از طریق وقف تأمین می‌شد. در عصر جدید نیز وقف می‌تواند برای توسعه کتابخانه‌های دیجیتال، خرید پایگاه‌های اطلاعاتی، تأمین دسترسی به مجلات علمی، ایجاد مخازن داده و تجهیز سالن‌های مطالعه استفاده شود.

با توجه به افزایش هزینه اشتراک پایگاه‌های علمی بین‌المللی، وقف منابع علمی می‌تواند نقش مهمی در ارتقای کیفیت پژوهش دانشگاهی داشته باشد. دانشگاهی که دسترسی گسترده‌تری به منابع علمی دارد، توان بیشتری برای تولید دانش و انتشار مقالات معتبر خواهد داشت.

۷-۴. توسعه خوابگاه‌ها و زیرساخت‌های رفاهی

زیرساخت رفاهی بخش مهمی از عدالت آموزشی است. بسیاری از دانشجویان مستعد، به‌ویژه در مناطق محروم، به دلیل هزینه‌های اقامت، تغذیه و رفت‌وآمد با دشواری‌های جدی مواجه می‌شوند. وقف خوابگاه دانشجویی، سلف‌سرویس، مرکز مشاوره، درمانگاه دانشجویی یا صندوق حمایت رفاهی می‌تواند دسترسی گروه‌های کم‌درآمد به آموزش عالی را تسهیل کند.

از منظر اقتصادی، چنین وقف‌هایی سرمایه انسانی جامعه را حفظ می‌کنند. اگر دانشجوی مستعدی به دلیل ناتوانی مالی از ادامه تحصیل بازماند، جامعه بخشی از ظرفیت انسانی خود را از دست می‌دهد. بنابراین، وقف رفاهی در آموزش عالی نوعی سرمایه‌گذاری اجتماعی بلندمدت محسوب می‌شود.

۷-۵. حمایت از فناوری آموزشی و آموزش مجازی

تحولات دیجیتال، آموزش عالی را به‌شدت دگرگون کرده است. دانشگاه‌ها برای رقابت علمی و آموزشی نیازمند سامانه‌های مدیریت یادگیری، زیرساخت اینترنت پرسرعت، کلاس‌های هوشمند، محتوای الکترونیکی، مراکز داده و تجهیزات آموزش مجازی هستند. وقف می‌تواند در توسعه این زیرساخت‌ها نقش‌آفرینی کند.

وقف فناوری آموزشی به‌ویژه برای دانشگاه‌های مناطق کم‌برخوردار اهمیت دارد؛ زیرا شکاف دیجیتال می‌تواند نابرابری آموزشی را تشدید کند. اگر موقوفات به سمت توسعه زیرساخت‌های دیجیتال هدایت شوند، می‌توانند عدالت آموزشی را در سطح ملی تقویت کنند.

۸. مزایای اقتصادی وقف برای آموزش عالی**۸-۱. ایجاد منبع درآمدی پایدار**

مهم‌ترین مزیت وقف، پایداری آن است. برخلاف کمک‌های مقطعی، وقف می‌تواند درآمد مستمر ایجاد کند. برای نمونه، درآمد حاصل از اجاره املاک وقفی، سود سرمایه‌گذاری‌های شرعی، بهره‌برداری از دارایی‌های تجاری یا مشارکت در پروژه‌های اقتصادی می‌تواند به‌طور منظم به دانشگاه اختصاص یابد.

۸-۲. کاهش فشار بر بودجه عمومی

با فعال شدن وقف دانشگاهی، بخشی از هزینه‌های توسعه زیرساخت‌ها از دوش دولت برداشته می‌شود. این امر به دولت امکان می‌دهد منابع خود را به حوزه‌های اولویت‌دار دیگر اختصاص دهد یا حمایت هدفمندتری از دانشگاه‌های محروم داشته باشد. در تاریخ جوامع اسلامی نیز وقف تا حد زیادی هزینه ارائه خدمات عمومی را کاهش می‌داد (چیزاکچا، ۱۹۹۸).

۸-۳. کاهش وابستگی به شهریه

در دانشگاه‌هایی که بخش مهمی از درآمد آن‌ها از شهریه تأمین می‌شود، وقف می‌تواند فشار افزایش شهریه را کاهش دهد. اگر دانشگاه از موقوفات درآمد داشته باشد، می‌تواند بخشی از هزینه زیرساخت‌ها را بدون افزایش بار مالی دانشجویان تأمین کند. این موضوع به عدالت آموزشی کمک می‌کند.

۸-۴. تقویت استقلال دانشگاهی

منابع مالی متنوع می‌توانند استقلال نهادی دانشگاه‌ها را تقویت کنند. دانشگاهی که صرفاً به بودجه دولتی یا شهریه وابسته است، در شرایط بحران آسیب‌پذیرتر خواهد بود. موقوفات می‌توانند نوعی پشتوانه مالی مستقل برای دانشگاه ایجاد کنند.

۸-۵. افزایش مشارکت اجتماعی در توسعه علمی

وقف دانشگاهی جامعه را در توسعه علم شریک می‌کند. افراد، خانواده‌ها، شرکت‌ها و نهادهای خیریه می‌توانند با وقف دارایی‌های خود در توسعه دانشگاه سهیم شوند. این مشارکت، پیوند میان دانشگاه و جامعه را تقویت می‌کند و احساس مالکیت اجتماعی نسبت به نهاد علم را افزایش می‌دهد.

۹. چالش‌های استفاده از وقف در توسعه آموزش عالی**۹-۱. ضعف فرهنگ وقف تخصصی**

در بسیاری از جوامع اسلامی، وقف بیشتر با مصارف سنتی شناخته می‌شود و وقف علمی، پژوهشی و دانشگاهی کمتر مورد توجه عموم قرار دارد. این در حالی است که نیازهای جدید جامعه ایجاب می‌کند فرهنگ وقف به سمت حوزه‌هایی مانند فناوری، پژوهش، آموزش عالی، کارآفرینی و نوآوری نیز گسترش یابد.

۹-۲. ضعف شفافیت و اعتماد عمومی

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تصمیم‌ها و افاقان، اعتماد به نحوه مصرف منافع وقف است. اگر واقف اطمینان نداشته باشد که نیت او دقیقاً اجرا می‌شود یا گزارش شفافیت از عملکرد موقوفه دریافت نکند، انگیزه وقف کاهش می‌یابد. بنابراین، شفافیت مالی، حسابرسی مستقل و گزارش‌دهی عمومی از الزامات توسعه وقف دانشگاهی است.

۹-۳. مدیریت غیر حرفه‌ای دارایی‌های وقفی

برخی موقوفات به دلیل مدیریت سنتی، بهره‌وری اقتصادی پایینی دارند. دارایی وقفی اگر به‌درستی مدیریت نشود، ممکن است درآمد اندکی تولید کند یا حتی دچار فرسودگی شود. مدیریت موقوفات دانشگاهی باید از دانش اقتصاد، مالی، حقوق، املاک، سرمایه‌گذاری و مدیریت ریسک بهره‌مند باشد.

۹-۴. پیچیدگی‌های حقوقی و اداری

فرآیندهای اداری طولانی، ابهام در مقررات، اختلافات ثبتی، دشواری تغییر کاربری دارایی‌ها و نبود الگوهای قراردادی روشن می‌تواند مانع توسعه وقف شود. برای گسترش وقف در آموزش عالی، باید مسیرهای حقوقی و اجرایی روشن، ساده و قابل اعتماد طراحی شود.

۹-۵. ضعف ارتباط میان دانشگاه‌ها و واقفان

بسیاری از واقفان بالقوه از نیازهای واقعی دانشگاه‌ها اطلاع ندارند. از سوی دیگر، دانشگاه‌ها نیز گاهی برنامه مشخصی برای جذب وقف ندارند. نبود دفترهای تخصصی جذب موقوفات، فقدان بسته‌های سرمایه‌گذاری خیرخواهانه و ضعف ارتباط با خیرین، از موانع جدی در این حوزه است.

۱۰. الگوی پیشنهادی برای توسعه وقف دانشگاهی

برای آنکه وقف بتواند نقش مؤثری در توسعه زیرساخت‌های آموزش عالی ایفا کند، لازم است الگوی نهادی مشخصی طراحی شود. این الگو می‌تواند شامل اجزای زیر باشد:

۱۰-۱. ایجاد صندوق‌های وقفی دانشگاهی

دانشگاه‌ها می‌توانند با همکاری نهادهای وقفی و نظارت شرعی، صندوق‌های وقفی تخصصی ایجاد کنند. این صندوق‌ها دارایی‌های وقفی را تجمیع کرده و با مدیریت حرفه‌ای، بازده آن را در پروژه‌های دانشگاهی مصرف کنند. صندوق‌های وقفی می‌توانند برای اهداف مختلفی مانند توسعه آزمایشگاه‌ها، حمایت از دانشجویان، ساخت خوابگاه، توسعه کتابخانه یا حمایت از پژوهش‌های کاربردی تشکیل شوند.

۲-۱۰. طراحی وقف‌های موضوعی و پروژه‌محور

وقف دانشگاهی باید از حالت کلی و مبهم خارج شود و به صورت پروژه‌محور تعریف گردد. برای مثال:

- وقف برای ساخت خوابگاه دانشجویان دختر یا پسر؛
- وقف برای تجهیز آزمایشگاه هوش مصنوعی؛
- وقف برای توسعه کتابخانه دیجیتال؛
- وقف برای حمایت از دانشجویان کم‌برخوردار؛
- وقف برای تأسیس کرسی پژوهشی در یک رشته خاص؛
- وقف برای مراکز نوآوری و کارآفرینی.

چنین شفافیته‌ی انگیزه واقفان را افزایش می‌دهد؛ زیرا نتیجه وقف خود را ملموس‌تر مشاهده می‌کنند.

۳-۱۰. گزارش‌دهی و حسابرسی شفاف

هر موقوفه دانشگاهی باید دارای نظام گزارش‌دهی منظم باشد. گزارش سالانه درآمدها، هزینه‌ها، پروژه‌های اجراشده، میزان پیشرفت و آثار اجتماعی موقوفه باید در اختیار واقفان و عموم قرار گیرد. این کار اعتماد اجتماعی را افزایش می‌دهد و زمینه وقف‌های بعدی را فراهم می‌کند.

۴-۱۰. بهره‌گیری از ابزارهای نوین مالی اسلامی

در کنار وقف سنتی املاک، می‌توان از ابزارهای جدید مانند وقف پول، وقف سهام، صکوک وقفی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری وقفی و وقف جمعی استفاده کرد. البته همه این ابزارها باید با نظارت فقهی و حقوقی طراحی شوند. کاهف بر این نکته تأکید دارد که احیای نقش اقتصادی وقف در جهان معاصر نیازمند نوآوری نهادی و مالی است (کاهف، ۲۰۰۳).

۵-۱۰. ایجاد دفاتر توسعه وقف در دانشگاه‌ها

دانشگاه‌ها باید واحدهای تخصصی برای شناسایی خیرین، معرفی پروژه‌ها، ارتباط با واقفان، پیگیری امور حقوقی و گزارش‌دهی ایجاد کنند. این دفاتر می‌توانند مشابه دفاتر جذب کمک‌های خیریه در دانشگاه‌های بزرگ جهان عمل کنند، اما در چارچوب فقه اسلامی و قوانین داخلی کشور فعالیت نمایند.

۱۱. نقش دولت و نهادهای عمومی در توسعه وقف آموزش عالی

دولت در توسعه وقف دانشگاهی نقش تسهیل‌گر دارد. این نقش به معنای تصدی کامل نیست، بلکه شامل سیاست‌گذاری، حمایت حقوقی، ایجاد مشوق‌ها و نظارت بر شفافیت است. مهم‌ترین اقدامات دولت می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

۱. تدوین قوانین روشن برای وقف‌های دانشگاهی؛
۲. اعطای مشوق‌های مالیاتی به واقفان و خیرین آموزشی؛

۳. تسهیل ثبت و انتقال دارایی‌های وقفی؛
۴. حمایت از ایجاد صندوق‌های وقفی آموزش عالی؛
۵. ایجاد سامانه ملی شفافیت موقوفات آموزشی؛
۶. تشویق دانشگاه‌ها به ارائه پروژه‌های قابل وقف؛
۷. حمایت از وقف در مناطق محروم و دانشگاه‌های کمتر برخوردار.

نهادهای متولی وقف نیز باید از نگاه صرفاً اداری به نگاه توسعه‌ای و اقتصادی حرکت کنند. وقف اگر به صورت فعال مدیریت شود، می‌تواند دارایی‌های راكد را به منابع مولد تبدیل کند.

بحث و نتیجه گیری

بررسی مبانی فقهی، تاریخی و اقتصادی وقف نشان می‌دهد که این نهاد ظرفیت بالایی برای پشتیبانی از آموزش عالی دارد. وقف از یک سو بر انگیزه‌های دینی و اخلاقی استوار است و از سوی دیگر، از نظر اقتصادی می‌تواند دارایی‌های پایدار و مولد ایجاد کند. این ترکیب، وقف را به نهادی منحصربه‌فرد تبدیل می‌کند که می‌تواند میان ایمان، اخلاق، اقتصاد و توسعه علمی پیوند برقرار سازد.

در آموزش عالی معاصر، نیاز به منابع پایدار بیش از گذشته احساس می‌شود. دانشگاه‌ها برای حفظ کیفیت، توسعه پژوهش، رقابت علمی و پاسخ به نیازهای جامعه، نیازمند سرمایه‌گذاری مداوم در زیرساخت‌ها هستند. وقف می‌تواند بخشی از این نیاز را تأمین کند، اما تحقق آن مشروط به تحول در مدیریت موقوفات است. اگر موقوفات با روش‌های سنتی، غیرشفاف و کم‌بازده اداره شوند، نمی‌توان انتظار داشت که نقش مهمی در توسعه دانشگاه‌ها ایفا کنند. در مقابل، اگر وقف با مدیریت حرفه‌ای، شفافیت، نوآوری مالی و ارتباط مؤثر با دانشگاه‌ها همراه شود، می‌تواند به منبعی راهبردی برای آموزش عالی تبدیل گردد.

از منظر سیاست‌گذاری، وقف نباید جایگزین کامل بودجه عمومی شود. آموزش عالی همچنان نیازمند حمایت دولت است، به‌ویژه در حوزه‌هایی که بازده اجتماعی بالا اما بازده مالی مستقیم پایین دارند. با این حال، وقف می‌تواند مکملی قدرتمند برای بودجه عمومی باشد و به کاهش فشار مالی، افزایش عدالت آموزشی و ارتقای کیفیت زیرساخت‌ها کمک کند.

این مقاله با هدف تحلیل اقتصادی نقش وقف در توسعه زیرساخت‌های آموزش عالی انجام شد. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که وقف به دلیل ویژگی‌هایی مانند پایداری، بین‌نسلی بودن، قابلیت ایجاد درآمد مستمر، ماهیت غیرانتفاعی و پیوند با انگیزه‌های دینی و اجتماعی، می‌تواند یکی از منابع مهم و مکمل تأمین مالی آموزش عالی باشد. وقف قادر است در ساخت و تجهیز فضاهای آموزشی، توسعه آزمایشگاه‌ها، تقویت کتابخانه‌ها، ایجاد خوابگاه‌ها، حمایت از فناوری آموزشی، پشتیبانی از پژوهش و کمک به دانشجویان کم‌برخوردار نقش آفرینی کند.

با این حال، استفاده مؤثر از ظرفیت وقف نیازمند اصلاحات نهادی است. مهم‌ترین الزامات عبارت‌اند از: شفافیت مالی، مدیریت حرفه‌ای دارایی‌های وقفی، ایجاد صندوق‌های وقفی دانشگاهی، طراحی وقف‌های پروژه‌محور، استفاده از ابزارهای نوین مالی اسلامی، تقویت فرهنگ وقف علمی و ایجاد پیوند ساختاری میان دانشگاه‌ها و واقفان.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که وقف در صورت بازآفرینی نهادی و انطباق با نیازهای جدید آموزش عالی، نه تنها یک سنت دینی و اخلاقی، بلکه ابزاری کارآمد برای توسعه اقتصادی، علمی و اجتماعی است. احیای وقف دانشگاهی می‌تواند به تقویت عدالت آموزشی، افزایش کیفیت دانشگاه‌ها، کاهش وابستگی مالی به منابع ناپایدار و توسعه سرمایه انسانی کشور کمک کند.

پیشنهادها

۱. ایجاد صندوق‌های وقفی آموزش عالی: دانشگاه‌ها با همکاری نهادهای وقفی، صندوق‌های تخصصی برای توسعه زیرساخت‌ها ایجاد کنند.
۲. ترویج وقف علمی و فناورانه: رسانه‌ها، دانشگاه‌ها و نهادهای دینی باید وقف در حوزه علم، فناوری و آموزش عالی را معرفی و فرهنگ‌سازی کنند.
۳. شفافیت و گزارش‌دهی عمومی: موقوفات دانشگاهی باید گزارش سالانه مالی و عملکردی منتشر کنند.
۴. استفاده از وقف پول و سهام: با رعایت موازین فقهی، امکان دارایی‌های مالی جدید برای آموزش عالی فراهم شود.
۵. ایجاد دفاتر جذب وقف در دانشگاه‌ها: هر دانشگاه بزرگ می‌تواند دفتر توسعه وقف و خیرین دانشگاهی داشته باشد.
۶. طراحی پروژه‌های مشخص برای واقفان: دانشگاه‌ها باید نیازهای زیرساختی خود را به پروژه‌های روشن، زمان‌بندی‌شده و قابل گزارش تبدیل کنند.
۷. مشوق‌های مالیاتی و حقوقی: قانون‌گذار می‌تواند برای واقفان آموزش عالی مشوق‌هایی در نظر بگیرد.
۸. اولویت دادن به مناطق محروم: بخشی از موقوفات آموزشی باید به توسعه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مناطق کمتر برخوردار اختصاص یابد.
۹. حرفه‌ای‌سازی مدیریت موقوفات: اداره موقوفات دانشگاهی باید با بهره‌گیری از متخصصان مالی، حقوقی، سرمایه‌گذاری و آموزشی انجام شود.
۱۰. پژوهش‌های تجربی آینده: پیشنهاد می‌شود مطالعات بعدی با داده‌های میدانی، اثر واقعی موقوفات بر شاخص‌هایی مانند کیفیت زیرساخت، دسترسی آموزشی و عملکرد پژوهشی دانشگاه‌ها را بررسی کنند.

منابع

- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۴۲۱ق). *تحریرالوسیله*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم. (۱۴۱۷ق). *العروة الوثقی*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). *مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام*. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۹). *حقوق مدنی: عقود معین*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- سازمان اوقاف و امور خیریه. (۱۳۹۹). *مجموعه قوانین و مقررات اوقافی*. تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه.
- Altbach, Philip G.; Reisberg, Liz; & Rumbley, Laura E. (۲۰۰۹). *Trends in Global Higher Education: Tracking an Academic Revolution*. Paris: UNESCO.
- World Bank. (۲۰۰۰). *Higher Education in Developing Countries: Peril and Promise*. Washington, DC: World Bank.

- Çizakça, Murat. (۱۹۹۸). "Awqaf in History and Its Implications for Modern Islamic Economies." *Islamic Economic Studies*, ۶(۱), ۴۳-۷۰.
- Çizakça, Murat. (۲۰۰۰). *A History of Philanthropic Foundations: The Islamic World from the Seventh Century to the Present*. Istanbul: Boğaziçi University Press.
- Salmi, Jamil. (۲۰۰۹). *The Challenge of Establishing World-Class Universities*. Washington, DC: World Bank.
- Singer, Amy. (۲۰۰۸). *Charity in Islamic Societies*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Kahf, Monzer. (۲۰۰۳). "The Role of Waqf in Improving the Ummah Welfare." Paper presented at the International Seminar on Waqf as a Private Sector, International Islamic University Malaysia.
- Kuran, Timur. (۲۰۰۱). "The Provision of Public Goods under Islamic Law: Origins, Impact, and Limitations of the Waqf System." *Law & Society Review*, ۳۵(۴), ۸۴۱-۸۹۸.
- Hoexter, Miriam. (۱۹۹۸). *Endowments, Rulers, and Community: Waqf al-Haramayn in Ottoman Algiers*. Leiden: Brill.
- OECD. (۲۰۲۳). *Education at a Glance: OECD Indicators*. Paris: OECD Publishing.